



دکتر موسی نجفی: آزادی علمای مقدس مشروطه، لیبرالیسم نیست

### عالم مشروطه خواه نمی‌گوید همه چیز کاملاً دینی می‌شود

دکتر موسی نجفی دانش آموخته کارشناسی و کارشناسی ارشد علوم سیاسی از دانشگاه تهران و دکترای تخصصی علوم سیاسی (گرایش اندیشه سیاسی) از پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی است. ایشان صاحب «نظریه تکوین و تکون هویت ملی ایرانیان»، در کرسی‌های نظریه‌پردازی هستند و به سبب تألیف کتاب «مراتب ظهور فلسفه سیاست در تمدن اسلامی» برنده کتاب سال جمهوری اسلامی ایران شده‌اند. دکتر نجفی کتب متعددی در باب مشروطیت تألیف کرده‌اند و تسلط ایشان بر تاریخ اندیشه و تاریخ مشروطه، نیاز به توضیح ندارد و گفتگو با ایشان به همین جهت دشوار است. گفتگو با ایشان از کتاب «مقیم و مسافر» اثر حاج آقا نور... نجفی اصفهانی آغاز شد و به مسائل مورد ابتلای زمان حاضر رسید.



همان‌طور که حضرتعالی نوشته‌اید، حاج‌آقا نور... نجفی اصفهانی، مقیم و مسافر را در دوره مشروطه اول تدوین کرده است. در خصوص کتاب مقیم و مسافر و زمینه تدوین و تأثیر آن توضیحی بفرمایید.

رساله مقیم و مسافر در فضای «آزادیخواهان مقدس» یا علمای مشروطه‌خواه نوشته شده است. فکر کنید مشروطه قسمت اول خود - یعنی این بحث که استبداد و مشروطه مساوی نیستند - را پشت سر گذاشته است. جامعه مشروطه شده است. پس جامعه ایران بحث از استبداد را پشت سر گذاشته است و باید از این به بعد، مشروطه باشد.

البته خطر استبداد (هم وجود دارد اما جدی نیست)؛ مانند خطر بازگشت سلطنت برای جمهوری اسلامی. سلطنت باز نمی‌گردد اما خطر آن وجود دارد. خطر آن هم بر اثر توطئه خارجی وجود دارد، نه اینکه واقعا کسی بخواهد یکی از جانوران خاندان پهلوی بازگردد و مثلا (می‌بینید) که چهار، پنج نفر در اتفاقات خرمشهر شعاری (با مضمون بازگشت سلطنت) می‌دادند؛ (اما دیگر به‌طور طبیعی، چنین چیزی محقق نمی‌شود) و این یک پروژه مصنوعی است.

در مشروطه، مردم دیگر استبداد را نمی‌خواستند. در اینجا این بحث که «تاکنون استبداد بود؛ حال حکومت

به روال سابق باشد یا تغییر کند؟» وجود داشت. توده مردم و علما رای به این دادند که تغییر کند. گام دوم این است که چطور تغییر کند.

اینجاست که برای روشنفکران بحث نوشتن قانون اساسی مطرح می‌شود؛ چون روشنفکران بلد بودند از کشورهای فرنگی همانند بلژیک، فرانسه، انگلستان و... نسخه‌برداری کنند و از روی قانون آنها بنویسند. (پس این وظیفه (به) دست آنها افتاد که ترجمه کنند. (در اینجا) بین جناح فرانسوی و جناح انگلیسی (روشنفکری، بر سر اینکه از روی کدام قانون بنویسند) اختلاف هم افتاد.

(اما در) این سو، اختلاف مهم‌تر در علما افتاد که این مشروطه آیا به سوی همان حکومت ایده‌آلی است که می‌خواستیم (یا خیر)؟ (در اینجا بود که) اصطلاح «قدر مقدور» جعل شد. این (اصطلاح) برای علمای آزادیخواه است.

اینجا بحث فقهی و فکری سنگینی بین جناح مشروطه‌خواه و آزادیخواه مشروطه ایجاد شد - البته (این مساله هم) مثل اغلب بحث‌ها در کشور ما خیلی حاشیه داشته است و امروز بعد از ۱۰۰ سال می‌توانیم (همچنان بعضی از این حواشی را) ببینیم. (امروز هم پیرامون این مساله) حاشیه‌هایی (مطرح) است که آن زمان (در کار نبود و بعدا پیدا شد)؛ همانند استبداد (و آزادی که توسط) روشنفکری (و برای توجیه اقدام علیه روحانیت در کار آمد). یک جناح مسلطی که بعدا به تبریز ختم شد، مشروطه‌خواهان را به استبداد نسبت دادند که کار اشتباهی بود.

این که دو گروه متفقا یک گروه دیگر را نخواهند، دلیل بر این نیست که یکی باشند. کما اینکه ما و کمونیست‌ها از آمریکا بدمان می‌آید ولی این دلیل نمی‌شود که ما کمونیست باشیم! ما هر دو ضد آمریکا بودیم اما از دو زاویه متفاوت مخالف بودیم.

گروه مشروطه‌خواهان و گروه مستبدین (هر دو) با مشروطه مخالف بودند، ولی (این) دلیل یکی بودن آنها نیست. از آن سو، گروه «علمای مشروطه» و «روشنفکران مشروطه» هم با این

امر مخالف هستند و (این هم) دلیل بر یکی بودن آنها نیست. در کتاب‌های مقیم و مسافر این (تفاوت‌ها) معلوم است.

«مقیم و مسافر» بحث در همین نکته است یعنی گفت‌وگویی بین عالم مشروطه‌خواه به نام «مقیم» و عالم مشروطه‌خواه به نام «مسافر» است. خود این (تسمیه و نام‌گذاری رساله) هم نکته‌ای است. مقیم و مسافر شاید بحث «گفت‌وگوی سنت و تجدد» است. مقیم سنت ماست و مسافر تجدد است. ولیکن این مسافر (یکی مثل) آن که از غرب آمده نیست که نتوانند با هم صحبت کنند (و از هم آنقدر دور باشند که نتوانند حرف هم را بفهمند).

(مسافر) با مقیم صحبت می‌کند. اتفاقا مبانی آنها یکی است و وقتی نگاه می‌کنید، با هم دشمن نیستند.

هر دو (هم مقیم و هم مسافر) به قرآن و روایات استناد می‌کنند، فقط فهم آنها فرق می‌کند. در صورتی که مسافری که از غرب آمده اصلا نمی‌تواند با مقیم حرف بزند. این را اخیرا دریافته‌ام. درست است که این دو با هم مباحثه و مناظره دارند ولی (این مباحثه) در کمال احترام، فهم و درک یکدیگر است.

در اکثر جاها مقیم استدلال مسافر را می‌پذیرد. (پیش‌تر) چون در دنیای ذهنی خود است، این را قبول نمی‌کرده ولیکن وقتی این استدلال‌ها را می‌شنود، می‌پذیرد (که) حرف‌های درستی است (و) به مسافر مشروطه‌خواه می‌گوید (شما به) گردن من حق پیدا کردید و من را از جهل نجات دادید. این را مکرر بیان می‌کند.

لذا مرحوم حاج‌آقا نور... و تقریبا مرحوم آقای نائینی در نجف - (که در) همین زمان کتاب تنبیه‌الامه را نوشته - هر دو به دنبال... مرحوم نائینی چون (کتابش) خطاب به علمای نجف و قضای آنجا است، بسیار تخصصی صحبت می‌کند (و به این سبب، تنبیه‌الامه) برای توده مردم نیست. بعدها که مرحوم آیت... طالقانی در دهه ۲۰ کتاب را ساده‌نویسی کرد، باز هم (متنش برای عموم) مشکل بود. باز

هر دو (هم مقیم و هم مسافر) به قرآن و روایات استناد می‌کنند، فقط فهم آنها فرق می‌کند. در صورتی که مسافری که از غرب آمده اصلا نمی‌تواند با مقیم حرف بزند. این را اخیرا دریافته‌ام. درست است که این دو با هم مباحثه و مناظره دارند ولی (این مباحثه) در کمال احترام، فهم و درک یکدیگر است